**خلاصه ای از زندگی حضرت زهرا (ص) را در ادامه مشاهده نمایید**



نام :فاطمه (س)
نام پدر :محمد رسول الله (ص)
نام مادر : خديجه كبري (س)
شهرت : زهرا ، صديقه ،‌زهره ،‌بتول
كنيه : ام الحسين ،‌ ام ابيها ،‌ام الائمه
محل تولد : مكه مكرمه
زمان تولد: جمعه بيست جمادي الثاني ،‌پنج بعثت
تاريخ ازدواج :دوم هجرت
نام همسر : علي‌مرتضي (ع
نام فرزندان : حسن ، حسين ، زينب ،‌محسن ،‌ام كلثوم
زمان ومحل شهادت : سيزده جمادي الاول يا سوم جمادي الثاني ،‌يازدهم هجري درهجده سالگي درشهر مدينه النبي
مزار آن حضرت : به قولي دركنار قبر پيامبر (ص) يا قبرستان بقيع يا بين منبر وقبرپيامبر (ص) در مسجد النبي
دوران حيات: ا ـ زندگي دركنار پيامبر (ص) وشوهرش علي (ع) ،2 ـ چند ماه بعد ازفوت پيامبر(ص)

**دوران كودكي**

حضرت فاطمه (س) روز بيست جمادي الاخر سال پنجم بعثت از بطن مادرش خديجه درمكه مكرمه بدنيا آمد،حديثي ازپيامبر درباره دخترش حضرت فاطمه(س) نقل شده است كه فرموده (خلق الله نورفاطميه ان يخلق الارض والسماء ) خداوند نور فاطمه را قبل ازاينكه زمين و آسمان را بيافريند آفريده است ،حديثي ازپيامبر نقل شده است كه فرمود چرا رفتار محبت آميزي كه با فاطمه (س) داري با ديگر فرزندانت نداري ؟ پيامبر فرمود: قبل ازاينكه نطفه فاطمه ايجاد شود جبرئيل براي من سيبي ازبهشت آورد من آن سيب را خوردم وسپس با خديجه همبستر شدم و بعدازآن فاطمه (س) بدنيا آمد . به همين جهت است كه هرگاه او را مي بوسم ومي بويم از وي بوي بهشت را استثشام مي كنم درجايي ديگر ازپيامبر(ص) نقل شده است كه فرمود : قبل ازاينكه آدم ازبهشت هبوط كند،نور فاطمه (س) به سيبي تابيدن گرفت وآدم آن را خورد وآن نور بعدها درفرزندش هابيل تجلي نمود سپس ادامه داد براي امت من بگوييد كه نور فاطمه قبل از آفرينش زمين وآسمان آفريده شده است .

درموقع وضع حمل خديجه گويند فرشتگان ازآسمان به زير آمدند تا درتولد فاطمه (س ) او را ياري دهند. فرشتگان او را به دنيا آوردند ودرملحفه سفيدي پيچيدند وبه مادرش سپرده وبه آسمان بازگشتند.گويند اولين زناني كه پاي به بهشت مي گذارند ،‌حضرت فاطمه(س) وحضرت مريم(ع)

مي باشند.آنها پاك ترين زنان عالم وسرور همه ايشان هستند.

**اسماء و القاب آن حضرت**

اسماء مبارك آن حضرت بي شمار است كه برخي ازآنها ازاين قرار مي باشد
مرضيه ،‌زهرا ،‌صديقه ،‌طاهره ،‌راضيه ،‌زكيه ،‌مباركه ،‌محدثه ،‌و.......
لقب آن حضرت ، سيدة نساء العالمين بود.كه وي را بتول نيز ناميده اند . يكي ازمشهورترين كينه هاي آن حضرت ام ابيها مي باشد كه پيامبر مكرر آن را به وي مي فرمود واو را با اين لقب مي خواند
اين كنيه ازآن جهت حائز اهميت مي باشد كه معني لغوي آن اين است :مادر پدرش و اين ازعجايب تاريخ مي باشد؛ چگونه مي تواند دختري مادر پدرش باشد . البته ام يعني مادر در نظر اعراب كلمه اي مقدس وپاك مي باشد
ازاين رو درمي يابيم كه پيامبر عظيم الشان اسلام والاترين ارزشها را براي دخترش فاطمه (س) قائل بوده به همين جهت او را مادر خويش نه بلكه مادر همه مسلمانها ناميده ، افتخاري كه ديگر هيچ كس به آن نائل نشده است . خصوصا درآن ايامي كه عربها براي فرزند دختر خويش اهميتي قائل نبوده واو را باعث ننگ وخفت دانسته وبعضا آنها را زنده به گور مي نمودند.

**مقام حضرت فاطمه (س) درقرآن وحديث**

درقرآن وسوره هاي مختلف آن ازديدگاه برخي از مفسران شيعه ،‌سوره هاي گوناگوني درشأن ومنزلت اين بانوي محدثه نازل شده واحاديث فراواني ازپيامبر نقل شده است كه برخي ازآنها به شرح زير مي باشد:
آيه مباهله ، آيات الابرار ،‌آيه موعدت اخي لقربي ،‌آيه تطهير ،‌ازمستحكماتي هستندكه مفسران آن را درباره اين بانوي بزرگوار تفسير مي نمايند
ازعايشه همسر پيامبر (ص) نقل شده است هيچ كس را جز فاطمه (س) نديده ام كه اخلاق وخصوصياتش درست مانند پيامبر (ص) باشد او وپدر گراميش چون دو نيمه يك سيب بودند .بارها خود به چشم خويش ديدم كه هرگاه فاطمه به مجلس پيامبر واردمي شد او ازجاي برمي خواست . وفاطمه رامشايعت مي نمود ودرصدر مجلس مي نشاند .حديثي ديگر ازپيامبر نقل شده است كه فرمود : ذرات وجود فاطمه (س) ازايمان به خداوند آكنده است .او هرلحظه درفكر خداست و هيچگاه ازياد او غافل نمي باشد. ازعايشه نقل شده است كه فرمود: هرگاه پيامبر ازسفر بازمي گشت نخست فاطمه رامي بوسيد او رانوازش مي كردومي گفت : هرگاه ازسفر به خانه بازمي گردم با ديدن فاطمه خستگي راه ازتنم خارج مي شود وهرگاه كه مي خواهم به مسافرت بروم با ديدار او جان تازه درقلبم دررگهايم جريان مي يابد وبا قوت قلب بيشتري ازخانه خارج مي شوم ، فاطمه (س) اززنان برگزيده وبزرگ عالم است كه مي توان آن ها رااين گونه نگارش نمود.
حضرت مريم (س) ، حضرت فاطمه (س) ،‌آسيه همسر فرعون وخديجه مادربزرگوار

**ازدواج آن حضرت**

ازدواج حضرت فاطمه با حضرت علي بزرگترين رويداد زندگي آن دو بزرگوار بود .كه دراول ذيحجه ،‌دوم هجرت وبه قولي پنجشنبه بيست ويكم محرم سال سوم هجرت به وقوع پيوست .برخي معتقدند كه جبرئيل وميكائيل خطبه عقد را جاري ساختند ومهريه آن حضرت به قولي پانصد درهم يعني چهارصد مثقال نقره بود حديثي درباره خواستگاري آن حضرت مشهور است كه يك روز ابوبكر به منزل پيامبر(ص) آمدوفاطمه را خواستگاري نمود ، رسول خدا گفت : منتظر نزول وحي دراين باره هستم .بعد ازاو عمر به خواستگاري او رفت . پيامبر (ص) همان جواب رابه وي داد.تااينكه حضرت علي (ع) به خواستگاري فاطمه رفت .اودرحالي كه عرق شرم برپيشاني اش نشسته بود درگوشه اي نشست . پيامبركه او را پريشان احوال ونگران ديد فرمود: اي علي چه مي خواهي حرف دلت را بزن شايد آمده اي فاطمه را ازمن خواستگاري نمايي .حضرت علي (ع) با خجالت وشرمساري گفت : آري دراين هنگام جبريئل بررسول الله نازل شد وفرمود : خداوند بااين ازدواج فرخنده موافق است .به همين جهت دخترت را به عقد مرتضي درآور تا خداونداز تو راضي باشد.
پيامبر به دخترش فرمود: مبارك باشد برشمااين پيوند فرخنده ونوراني . سپس ادامه داد اي فاطمه (س)علي (ع) را كه پسر عموي من است به خوبي مي شناسي او تربيت شده من است . درخانه ما رشد ونمو يافته به همين علت به تو اطمينان مي دهم كه او براي تو بهترين شوهر است .اگر مي خواهي او راانتخاب كن .
حضرت فاطمه (س) كلام روحاني پدرش را پذيرفت وبا ازدواج با علي (ع) موافقت فرمود .مراسم خواستگاري وازدواج آن دو درنهايت سادگي وبي پيرايگي انجام گرفت .درحقيقت اين ازدواج آسان كه

مي توان آن را بهترين نمونه ازدواجهاي اسلامي دانست مي بايست سرمشق مسلمانان درروزگار ما باشد كه متاسفانه به علت مخارج گزاف ومهريه هاي سنگين بسياري ازجوانان قادر به انجام آن نمي باشند
روايت شده است كه اگر جواني به سن بلوغ برسد وازدواج نكند دينش كامل نمي گردد.ازاين رو جوانان مابايد ازدواج علي وفاطمه را الگو قرارداده وازخرج هزينه هاي گزاف بپرهيزند وخانواده ها با آسان گيري زمينه را براي رسيدن به زوجها به يكديگر فراهم آورند.همان طوريكه گفته شد پيامبر(ص) جواب قطعي به علي (ع) نداد .بلكه آن را منوط به عقيده خود فاطمه دانست واين ازنكاتي است كه بايد مورد توجه مادران وپدراني باشد كه بدون توجه به خواست وعلاقه فرزندانشان آنها را وادار به ازدواج مي نمايند

**جهيزيه حضرت فاطمه (س)**

اشياء ذيل راجهيزيه حضرت فاطمه (س) دانسته ودراحاديث وروايات مختلف نام برده اند: تعدادي شيشه عطر ،‌يك مشك آب ،‌پيراهني ارزان قيمت ،‌يك آفتابه ، يك تشت مسي ،‌يك آسياي دستي ،‌پرده اي ازپشم ،‌دو كوزه سفالي ،‌سفره اي چرمي ،‌چادري از پارچه يمني ،‌يك جفت بالش ،‌دو تشك ازپشم گوسفند وليف خرما،‌روبندويك مقنعه وچيزهاي ديگري كه براي زندگي ساه و بي پيرايه ضروري است
ازدواجهاي امروزي متاسفانه آن چنان با بريز وبپاشهاي فراوان همرا ه است كه خانواده عروس وداماد تامدتها مي بايست اقساط اجناسي راكه بازحمت تهيه نموده اند بپردازند.
درحاليكه فاطمه(س) را برروي شتر پدرش نشانده بودندوزنان پيامبر دراطراف آن هلهه و شادي مي كردندوپيامبر (ص) خودبه همراه جوانان بني هاشم دراطراف شتر حركت مي كردند.فاطمه رابه سوي خانه علي (ع) بردند.
هنگامي كه فاطمه (س) به خانه علي (ع) رسيد پيامبر داخل شد ودست دخترش را درميان دستان او گذاشت وازهر دوي آنها تعريف وتمجيد كرد وبرايشان آرزوي زندگي خوب وخوشي را نمود وتداوم آن را ازخداوند بزرگ مسئلت نمود وآنها را دعاي خير كرد.

**فاطمه درمنزل حضرت علي (ع)**

فاطمه بعد ازدومين سال هجرت زندگي مشترك خويش را باعلي (ع) آغاز نمودكه مدت آن را برخي ازمورخان قريب به 9 سال ذكر كرده اند
اين زن وشوهر شادي ها وسختي هاي زندگي را باهم تحمل كردند وبدون آن كه درخلال اين 9سال كوچكترين اختلافي باهم داشته باشند به زندگي مشترك خويش ادامه دادند.
ازيك طرف علي (ع) افتخارمي نمودكه دختر پيامبر(ص) همسر اوست وازطرف ديگر فاطمه (س) ازداشتن چنين شوهر نمونه اي به خود مباهات مي كرد.
ازحضرت علي (ع) روايت شده است : فاطمه كه عزيزترين و محبوبترين كسان پيامبر(ص) بود گاهي آنقدربامشك آب مي آورد كه سينه اش مجروح مي شدوآنقدربادستان خودآسياب مي كرد كه دستانش پينه بسته وخشن شده بودوآنقدرخانه را جارو مي زدكه لباسهايش خاك آلود بود انقدر زير ديگ را روشن مي كرد كه جامه هايش سياه ودود آلودشده ودربعضي ازروزها بسيار لاغر وضعيف مي نمود.

**تسبيحات حضرت فاطمه زهرا (س)**

يك روز فاطمه (س) ازپيامبر خواست تا كنيزي به او ببخشايد تا دركارها به وي كمك نمايد تا قدري ازبارخستگي اش كاسته شود.
پيامبر گفت : بعد ازآنكه ازنمازفارغ شدي پيش ازآنكه به چپ وراست خود بنگري 34 مرتبه الله اكبر، 33 مرتبه سبحان الله ،‌والحمدلله بگو ،‌آنگاه خواهي ديد كه خداوند چه نيروي زيادي به تو مي دهد كه دركارهايت به كنيز نياز نداشته باشي .فاطمه مسرور شد وازپدربزرگوارش تشكر نمود.ازهمان هنگام تسبيحات حضرت فاطمه (س) به عنوان يك فعل مستحبي بعدازهرنماز توسط شيعيان آن حضرت قرائت مي شود ،‌بعدها پيامبر (ص) كنيزي به نام " فضه " را براي او فرستادتا دركارهاي خانه او راياري رساند

**رحلت پيامبر(ص) واندوه فاطمه (س)**

پيامبر درروز دوشنبه 28 صفر يا اوايل ربيع الاول سال يازدهم هجري درمدينه دارفاني راوداع گفت آخرين كلام او به امت خويش چنين بود:
(اليوم اكملت لكم دينكم ولي الدين ) امروز براي شما دينتان را كامل كردم واسلام را براي شما باقي گذاشتم . بعد ازآنكه پيامبر(ص) دربستر بيماري افتاد ،‌هيچكس بيش ازفاطمه (س) براي او دلسوزي نكرد،‌او بودكه شبانه روز ازپدربزرگوارش پرستاري ومراقبت مي نمود.
گويند هنگامي كه پيامبر رحلت نمود ،‌فاطمه كه ازبيدار خوابيهاي خود ازجهت پرستاري ازپدربيمار وضعيق شده بود ،‌روز به روز لاغر و رنجورتر مي شد ،‌او چنان ازمرگ پدرخود سوگوارشده بودكه مردم مدينه براو دل مي سوزانيدند وبه علي (ع) مي گفتند كه همسرت را آرام كن . امافاطمه بيش ازپيش مي گريست وزاري مي كرد ومي گفت : مي خواهم آنقدرگريه كنم تا به پدر ملحق شوم من بدون او لحظه اي نمي توانم زندگي كنم.

**ماجراي سقيفه بني ساعده**

بعدازفوت پيامبر(ص) همان طوري كه گفته شد گروهي ازمهاجرين وانصار درسقيفه بين ساعده گرد هم جمع شدندو بدون آنكه توجهي به جنازه پيامبر داشته باشند برسرانتخاب خليفه باهم به منازعه پرداختند

حضرت علي (ع) وفاطمه(س) وگروهي ازبزرگان بني هاشم ، پيامبر (ص) راغسل داده وكفن نموده ودفن كردند
بعد ازپايان مراسم خاكسپاري رسول خدابه حضرت علي (ع) خبر دادند كه درسقيفه بني ساعده ابوبكر را به خلافت برگزيده اند ،‌بااينكه پيامبر (ص) درغديرخم حضرت علي (ع) را به جانشيني خود انتخاب نموده بود وخلافت حق مسلم وي بود به خاطراينكه بين مسلمانان ايجاد اختلاف وتشتت نشود والتهاب جامعه كه خود ناشي ازرحلت پيامبر (ص) بو دكاهش يابد ومسلمانان قدرت خويش را حفظ نمايند اعتراضي نفرمود و بعد ازچند روز با ابوبكر بيعت كرد.

**ماجراي فدك**

فدك دهكده كوچكي ازاراضي يهوديان طايفه بني قريضه بودكه درنزديكي قلعه خيبر قرارداشت . وبعد ازتسخير آنجا توسط مسلمانان واخراج يهوديان ازفدك به تصرف مسلمانان درآمد
فدك بعداز اينكه به تصرف ايشان درآمد جزء اموال غيرمنقول پيامبر(ص) درآمد واوآن دهكده را كه نخلستان بزرگي دراطراف خود داشت به دخترش فاطمه (س) بخشيد . بعد ازماجراي انتخاب خليفه وخلافت ابوبكر مسلمانان به گروههاي مختلف تقسيم شدن واختلافاتي دربين ايشان روي دادكه بزرگترين آنها قيام مسلميه كذاب بود كه در اواخر عمر پيامبر آغازگرديد وابوبكر به آن خاتمه داد . بعد ازاين وقايع حضرت فاطمه مشاهده نمود كه درآمد حاصله از فدك را براي او نمي آورند. به همين جهت كساني را نزد خليفه فرستاد وعلت را ازاو پرسيد
ابو بكر پاسخ داد :مگر نشنيده اي كه پيامبر بارها فرموده بود : ( نحن معاشر الانبياء لانورث )
يعني ماجماعت پيامبران را ازخو ميراثي باقي نمي گذاريم
هنگامي كه اين خبررا به حضرت دادند او كه درفراق پدرسوگوار بود،آهي از ته دل كشيدوباصداي بلند زار زار گريست به طوري كه زنان مهاجر وانصار به گريه افتادند و حضرت فاطمه (س) سپس خطبه پرشوري خطاب به ابو بكر ايرادنمود

**خطبه حضرت زهرا(س)**

خطبه حضرت زهرا به اين شرح مي باشد
سپاس وستايش خداوندي راست كه زمين وآسمان وهرچه درآن است را آفريده وسپس محمد(ص) را به پيامبري خويش برگزيده است كه نور نبوتش جهان ظلماني را روشن ساخت وبافروغ ملكوتي او بربالهاي فرشتگان الهي به آسمانها رفت ومعراج نمود
شمااي انصار واي مهاجرين كه با پيامبر خود دست ياري و مساعدت داده ايد ومتعهد شديدكه او را كمك نمائيدودينش را گسترش بخشيد ،‌پس اكنون شمارا چه شده است كه براي پيامبر(ص) خودحديث جعلي مي سازيد وفرزنداورا ازارث محروم مي كنيد
شمادرزمان حيات پيامبر (ص) با او بوديد چرا اكنون به دوران جاهليت بازگشتيد ،‌چه كسي اين روايت نادرست را ازپيامبر نقل نموده كه فاطمه (س) ارارث پدرمحروم گشته است . آن كيست كه قرآن وآيات قرآن را به سود خويش تفسير نموده و برروي نص صريح قرآن خط بطلان كشيده است وكلام الهي را دگرگون نموده است
پس اگرقرآن را نخوانده ايد سوره نمل (مورچه ) را بخوانيد كه خداوند درقرآن فرموده :( و ورث سليمان وداوود ) وسپس درسوره نسأ به صورت روشن وآشكار مسايل ارث را بيان داشته است . شما چگونه به خود جرأت مي دهيدكه يك حكم الهي را بر روايتي مجهول ازيك شخص نامعلوم ترجيح داده وجگر گوشه پيامبر را ازميراث حقه و مسلم وي محروم سازيد
من ناگزيرم گفتني ها را به شمابگويم تا شايد ازخواب گران بيدار شويد. اين وظيفه من است كه امت پدرم را ازخطري كه پيش روي آنهاست آگاه سازم
بيانات هيجان انگيز وقاطع حضرت فاطمه زهرا (س) پايه هاي خلافت تازه تأسيس شده ابوبكر را لرزانيد بعد ازآنكه ابوبكر خطبه حضرت راشنيد بيمناك شد وبه او پيغام فرستادو گفت
اگرمن درجايي حديثي ازپيامبر روايت نمودم وگفتم پيامبران ازخود ارثي به جاي نمي گذارند ،‌آن ارث شامل اموال غير منقول نمي شود،‌به همين جهت فدك را به شما بازمي گردانم

**شهادت حضرت فاطمه (س)**

حضرت فاطمه (س) كه طاقت دوري پدر را نداشت ودرسوگ او زاري بسيار نمود،‌به طوري كه شب و روز خويش را به ماتم واندوه مي گذرانيد ،‌ازاين رو روز به روز ضعيف تر ولاغرتر مي شد تا جايي كه اطرافيانش نسبت به سلامتي وي بيمناك شدند. تااينكه حضرت دربستر بيماري افتاد.
خصوصا بلال كه بوي پيامبر ازاو استشام مي شد ومؤذن بيت الاحزان فاطمه (س) بود بيش ازپيش نگران سلامتي آن حضرت بود.هنگامي كه او اذان مي گفت ،‌فاطمه (س) منقلب مي گرديد ،‌به طوري كه بلال بربستر او حاضر مي شد ومي گفت:
ما برجان تو بيمناك هستيم مباداناگهان جان به جان آفرين تسليم نمايي
وخامت حال حضرت به جايي رسيد كه بزرگان مهاجر وانصار به عيادت او مي رفتند . تااينكه آن حضرت روزسه شنبه دوم جمادي الاخر درحاليكه به قولي 18 سال و7 ماه ازعمرش مي گذشت و71 روز از رحلت پيامبر مي گذشت وفات يافت . به قولي به شهادت رسيد
بعضي مورخان عمر اورا 28 سال ورحلت او را 13 جمادي الاول نوشته اند وباز به روايتي گروهي ازمفسران وفات آن حضرت را دوشنبه 13 جمادي الاخر سال 11 هجري ذكر كرده اند
زنان بني هاشم درخانه او جمع شدندو به گريه وزاري پرداختند حضرت علي (ع)او را غسل دادوكفن نمود ودرمكان نامعلومي كه آن حضرت وصيت نموده بود دفن نمود. مكان دفن آن حضرت بعد ازگذشت چهارده قرن هنوز كشف نشده است با اين وجود گروهي ازمورخان عقيده دارندكه مدفن او بين قبر و منبر پيامبر وتعدادي ازايشان آن را دربقيع ويا بين قبر و منبر پيامبر ودسته اي قبر او را درمنزل خودش مي دانند.،‌به هرحال ممكن است كه اين راز برشيعيان آن حضرت تا ابد مخفي بماند

درباره شهادت حضرت زهرا سليم بن قيس دركتاب اسرار آل محمد مي نويسد:

بعدازماجراي سقيفه ‌؛‌عمر به خانه حضرت علي(ع) حمله ورشده ودرآنراآتش زدو داخل خانه شد ودراين هنگام حضرت فاطمه سرآسيمه ازخانه بيرون آمد عمر با شمشيربه پهلوي حضرت زد و بازوي او را باتازيانه زخمي كرد به طوريكه طفلي كه دربطن آن حضرت(محسن) بود سقط شد. دراين هنگام علي (ع) به دفاع ازفاطمه (س) برخاست وگريبان عمر را گرفت واو را برزمين زدوخواست كه اورابكشد اماغلامان عمر به درون خانه ريختند و قنفذ غلام عمر آن حضرت وهمسرش فاطمه(س) را با تازيانه مجروح كردبطوريكه آن حضرت تاهنگام فوت جاي زخم او را بربازويش داشت .بعد ازآن قنفذ فاطمه(س) را به طرف چهارچوب درخانه كشانيد وسپس در را فشار داد تااستخواني ازپهلويش شكست وطفلش (محسن) را سقط كرد ،‌حضرت زهرا(س) بعد ازاين ماجرا دائما دربستر بيماري بود تا به شهادت رسيد.